یک اتفاق ساده

گپ‌وگفت با فیلم‌ساز جوانی که در حال مهاجرت است

کیوان کثیریان

● داشتم به موضوع یادداشت این هفته فکر می‌کردم که یک پیام در تلگرامم دیدم. فیلم‌ساز جوانی که اسمش را هم نشنیده بودم، برایم پیام گذاشته بود. هنوز نه خودش را دیده‌ام نه فیلمش را. اما فکر می‌کنم شاید راه‌های بهتری برای تعامل با فیلم‌سازان به‌ویژه سینماگران جوان وجود داشته باشد. بی‌توضیح بیشتر و بی‌کم‌وکاست، این مکالمه تلگرامی را بخوانید. با این توضیح که ممکن است ادعایی اثبات‌نشده هم در میان حرف‌ها وجود داشته باشد.

* آقای کثیریان عزیز سلام. من حمید علیقلیان هستم کارگردان فیلم فلامینگو شماره ۱۳. از سال ۸۹ فیلم من در بی‌خبری توقیف است. در ۲۴ جشنواره و بهتر بگم ۲۲ کشور فیلمم اکران شده و جوایزی گرفته. این روزها در پی رفتنم. ای‌کاش امثال شما کمی از توقیف‌های بعد از این بگویید. تا بدانند هستند آنها که دیده نشدند. به آگاهی‌تان هنوز بسیاری ایمان دارند در این وادی کم‌ایمانی.

** سلام. من خبر از توقیف فیلم شما نداشتم.

* می‌دونم. شما اطلاع ندارید.

** گفتن چرا توقیفه؟

* باور کنید دو دولت گذشته هنوز جواب مشخصی به من ندادند. البته به هنر و تجربه حواله‌مان کردند.

** دوستان هنر و تجربه دیدن فیلم‌رو؟

* بله، اما میگن که با مانیفست‌مان تطبیق نداره.

** فیلمتون با مجوز ساخته شده؟

* بله، آقای کیارستمی، پرتوی، سمیح کاپلان اوغلو و خیلی‌های دیگه فیلم‌رو دیدن و ازش خوب گفتن.

** فیلم مشکل خاصی داره؟

* نه، هیچ مشکلی نداره. حتی یک‌بار به فیلم پروانه نمایش دادند. فیلم من محصول سال ۸۸ هستش.

فیلم من در جشنواره توکیو ۲۰۱۰، تنها نماینده آسیا بود، جایزه جشنواره کرالا هندوستان، کرونا کورک ایرلند، پتالوما آمریکا و صلح ایتالیارو داره.

** فکر می‌کنید با رفتن همه‌چی براتون درست می‌شه؟

* نه با رفتن درست نمی‌شه می‌دونم. اما همه راه‌هارو بستن. من بعد از فیلمم یک سریال انیمیشن ساختم دستمزدم‌رو ندادن، فیلم‌نامه‌ام رو مجوز ندادن، بدون مجوز فیلم دومم‌رو ساختم.

** فیلم دومتون چیه؟

* فیلمی درباره خانواده شریف یک روحانی. فیلم‌رو در باکو با هزینه دولت اکران کردن.

** شما این‌طرف ساکنین؟

* بله آقا. من ساکن تهرانم مثل پدرم.

** پیگیری هم کردید؟

* بارها جلسه داشتم با ذی‌حسابان مجوز. اما حیف که نه من فهمیدمشان، نه ایشان مرا. من حتی شکایت کردم. اما حیف که نتیجه نداشت. تنها امید من امثال شمایید.

** حالا با رفتن مشکلی حل نمی‌شه. کاش بمونید و تلاش کنید.

* به جان دختر ۱۱ساله‌ام، علاقه‌ام به رفتن نیست.

اما همه راه‌هارو می‌بندن.

** ایشالا که حل می‌شه.

* من چه گناهی کردم که در ۲۸سالگی فیلم ساختم و فیلمم در ده‌ها جشنواره فیلمم منتخب شد.

سجادپور می‌گفت شرکت در جشنواره‌ها فی‌نفسه عیبه! اینها هم که اکرانش نمی‌کنن. من فیلم ساختم به‌خدا گناه نکردم، مادرم اهل نماز و دعاست. خودم هم در این خاک زاده شدم. ببخشید سرتان را درد آوردم.

** خواهش می‌کنم. ایشالا که حل می‌شه. من اگه کاری از دستم بربیاد انجام میدم.

** امیدوارم و سپاس.

** من اجازه دارم از اطلاعات این گفت‌وگو در رسانه استفاده کنم؟

* بله. چراکه نه.

به‌دنبال برگزاری دومین دوره یک مسابقه

نمایشگاه «هولوکاست» در کشاکش دیپلماسی ایران و غرب

یک مسابقه کاریکاتور، بحثی را در حوزه دیپلماسی ایران به وجود آورده است. برگزاری مسابقه کاریکاتور «هولوکاست» که دومین دوره آن بعد از یک دهه قرار است امسال برگزار شود، مناقشه‌ای را میان برگزارکنندگان این رویداد و مسئولان دیپلماسی دولت یازدهم ایجاد کرده است. مسابقه بین‌المللی کاریکاتور «هولوکاست» که نخستین‌بار در سال ۱۳۸۴ توسط روزنامه همشهری و با همکاری سایت ایران‌کارتون برگزار شد، بعد از ۱۰سال قرار است دومین دوره آن اردیبهشت امسال برگزار شود. با آنکه فراخوان این رویداد در سال ۹۳ منتشر شد، در روزهای اخیر بار دیگر مطرح شده و واکنش‌هایی را به‌دنبال داشته است. محمدجواد ظریف، وزیر خارجه ایران، با مجله نیویورکر گفت‌وگویی انجام داده که در بخشی از آن به نمایشگاه کاریکاتور هولوکاست اشاره شده است. به گزارش فارس، او در این مصاحبه عنوان کرد: «این نمایشگاه توسط دولت ایران کنترل نمی‌شود و توسط دولت هم تأیید نشده است».وقتی خبرنگار نیویورکر گفت به‌هرحال دولت، مجوز این نمایشگاه را صادر می‌کند، ظریف پاسخ داد: «نه واقعا. انجام این کار نیازی به مجوز ندارد. ما فقط باید برای افرادی که می‌آیند روادید صادر کنیم. ما این را مدنظر قرار می‌دهیم افرادی که نفرت‌پراکنی نژادی و خشونت را تبلیغ می‌کنند، دعوت نشوند».ظریف در پاسخ به این سؤال که اساسا چرا ایران اجازه برگزاری چنین نمایشگاهی را می‌دهد، گفت: «چرا ایالات متحده «کوکلاکس کلن» (گروه‌های سفیدپوست نژادپرست) دارد؟ آیا مقصر اینکه سازمان‌های تنفرپراکن نژادی در ایالات متحده وجود دارد، دولت ایالات متحده است؟ تصور نکنید که ایران تک‌صدایی است. دولت ایران از هیچ نمایشگاهی با ماهیتی که از آن صحبت می‌کنید حمایت نکرده و چنین نمایشگاهی ترتیب نمی‌دهد. هروقت توانستید سازمان‌های خود را از انجام چنین کارهایی بازدارید، آن‌وقت می‌توانید از دیگران هم بخواهید چنین کاری بکنند».وزیر امور خارجه ایران در مورد اینکه او و رئیس‌جمهور، سال جدید را به یهودیان تبریک گفته‌اند، گفت: «خب، ما به افتتاحیه آن فستیوال (نمایشگاه هولوکاست) نخواهیم رفت». سیدمسعود شجاعی‌طباطبایی، مدیر خانه کاریکاتور و دبیر نمایشگاه کاریکاتور «هولوکاست»، معتقد است نفس برگزاری این نمایشگاه کاری با اثبات یا رد موضوع هولوکاست ندارد. او با بیان اینکه نمایشگاه هولوکاست قرار است ۲۵ اردیبهشت برابر با سالروز تأسیس اسرائیل برگزار شود، به «شرق» گفت: «فراخوان نمایشگاه در سال ۹۳ منتشر شد و کاریکاتورهایی از ۵۰ کشور ارسال شد که به دلیل حجم زیاد آثار در دو مرحله داوری شدند. این مسابقه در دو بخش کارتون موضوعی و کاریکاتور چهره نتانیاهو برپا خواهد شد. ما به شکل‌های مختلف گفته‌ایم که به فکر نفی یا اثبات هولوکاست نیستیم».او سپس به دلایل برگزاری این مسابقه اشاره کرد: «ما دومین دوره این مسابقه را بعد از آنکه شارلی ابدو از پیامبر اسلام طرحی منتشر کرد، برپا کردیم. آنها ادعا کردند که در غرب آزادی بیان حدومرزی ندارد اما هرکسی بخواهد در مورد هولوکاست تردید کند مجازات‌های سنگینی از شش‌ماه تا شش‌سال برایش در نظر گرفته می‌شود. ما با این نمایشگاه می‌خواستیم بگوییم ادعای آزادی بیان در غرب ثمری ندارد. ضمن اینکه بحث دیگر ما این است که چرا تاوان هولوکاست را مردم مظلوم فلسطین باید بدهند؟ اگر هولوکاست اتفاق افتاده، یهودی‌ها باید تاوان آن را از آلمان‌ها بگیرند نه فلسطینی‌ها».شجاعی‌طباطبایی افزود: «ما نگران هولوکاست‌های معاصریم. هولوکاست فقط مربوط به آن دوره نمی‌شود و به معنی کشتار جمعی است. هر نوع کشتار جمعی که باعث نسل‌کشی شود، هولوکاست است و کشتار جمعی‌ای که در یمن، عراق، سوریه و از همه بیشتر در غزه و فلسطین انجام می‌شود، هولوکاست محسوب می‌شود. هنرمندان شرکت‌کننده در این نمایشگاه به‌دنبال نفی هولوکاست نیستند و بحث یهودی‌ستیزی نیز در آثار مطرح نشده است. حتی در دوره قبل ما گفتیم اگر یک مورد هم اثری پیدا کنید که در آن یهودی‌ستیزی باشد، نمایشگاه را جمع می‌کنیم. در این دوره نیز هر اثری که در آن به یهودی‌ستیزی یا نئونازیسم اشاره شده بود، حذف شد». مدیر خانه کاریکاتور با بیان اینکه آثار ارائه‌شده دارای کیفیت خوبی هستند، در مورد مشارکت کارتونیست‌های ایرانی عنوان کرد: «بیشترین تعداد شرکت‌کننده از سوی هنرمندان ایرانی است شاید به این دلیل که این مفهوم را بهتر و بیشتر درک کرده‌اند و اطلاعات سیاسی مردم ما بسیار بالاست. ما دنبال این بودیم که بگوییم مسببان صهیونیسم، عامل هولوکاست‌های جدید هستند. کارهایی که ارسال شده، این اتفاق را نشان می‌دهند و از کیفیت بالایی برخوردارند درحالی‌که لابی صهیونیسم می‌گوید ایران با این نمایشگاه، قربانیان هولوکاست را مسخره کرده است».او در مصاحبه‌های قبلی عنوان کرده بود، مسابقه هولوکاست مورد حمایت دولت نبوده است اما اولین دوره آن در زمان ریاست‌جمهوری محمود احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور سابق ایران، مطرح شد و در آن دوره به‌واسطه نفی هولوکاست از سوی احمدی‌نژاد، ایران در صدر خبرها قرار گرفته بود. شجاعی‌طباطبایی در پاسخ به اینکه نمایشگاه هولوکاست با سخنان احمدی‌نژاد همراه شده بود و چطور دولت از این نمایشگاه حمایت نکرد، چنین گفت: «ما به‌هیچ‌وجه نخواستیم دولت از این نمایشگاه حمایت کند چون همکاری ما با دولت، هزینه‌هایی برای آنها ایجاد می‌کرد درحالی‌که صهیونیسم، هولوکاست را به‌مثابه یک تابو در جهان مطرح کرده است و حتی صهیونیسم برای برگزاری این نمایشگاه به بان کی مون (دبیرکل سازمان ملل متحد) نامه نوشت تا جلو این نمایشگاه گرفته شود».او در پاسخ به این سؤال که با این وجود دولت در برابر این نمایشگاه هزینه می‌دهد و رسانه‌های غربی از مسئولان دولتی در مورد این آثار پرسش می‌کنند، اظهار کرد: «لابی صهیونیسم خیلی قوی است مخصوصا از نظر رسانه‌ای، و به همین دلیل دنیا روی مسئله هولوکاست بسیار حساس شده است. معمولا در قبال هولوکاست اولین واکنش‌ها از سوی رژیم صهیونیستی ابراز می‌شود و بعد از آن رسانه‌های دیگر چنین مسائلی را دنبال می‌کنند، حتی دامنه آن در ایران هم اتفاق می‌افتد و در دور اول نماینده کلیمیان نسبت به یهودی‌ستیزی این نمایشگاه واکنش نشان داد. ما از او خواهش کردیم به دیدن نمایشگاه بیاید تا مطمئن شود هیچ طرحی در مورد یهودی‌ستیزی در این مسابقه وجود ندارد. این مسائل باعث می‌شود کار ما مشکل شود اما مسئله این است که ما هر کاری کنیم تا حقیقت بیان شود، باز هم آنها زهر خودشان را می‌ریزند».او ادامه داد: «ای کاش، آقای ظریف مشاورانی داشت تا جزئیات بیشتری از این نمایشگاه در اختیارش قرار می‌دادند. خوشبختانه ما ارتباط خوب و درستی با وزارت ارشاد داریم و زمانی که قرار شد دبیری دوسالانه کاریکاتور را برعهده بگیرم به مسئولان ارشاد گفتم که دبیر نمایشگاه هولوکاست نیز هستم و این مسئله برای دوسالانه مشکلی پیش نیاورد اما آنها نیز گفتند که مشکلی با این موضوع ندارند».به گفته شجاعی طباطبایی این نمایشگاه کاملا مردم‌نهاد است: «جوایز این نمایشگاه ۱۲هزار، هشت‌هزار و پنج‌هزار دلار بود که در مجموع ۲۵هزار دلار می‌شد اما وقتی در مورد نمایشگاه اطلاع‌رسانی شد، مؤسسه فرهنگی رسانه‌ای اوج برای مشارکت در مسابقه ابراز تمایل کرد و ما بخش کاریکاتور چهره را اضافه کردیم تا بگوییم رژیم صهیونیستی و در رأس آن نتانیاهو مسبب هولوکاست‌های معاصر است که از طریق این مؤسسه جوایز دوبرابر شد و به ۵۰هزار دلار رسید».گذشته از آن که شجاعی طباطبایی می‌گوید موضوع این نمایشگاه نفی یا اثبات هولوکاست نیست و قرار است به هولوکاست‌های معاصر پرداخته شود اما به نظر می‌رسد این مسابقه در داخل ایران هم هنوز درست جا نیفتاده است. بهمن عبدی، کارتونیست با بیان اینکه آثار این نمایشگاه را ندیده است، به «شرق» گفت: «مسابقات و نمایشگاه‌های زیادی برگزار می‌شود اما به‌نظر می‌رسد این مسابقه از سوی نهادی سفارش داده شده است که می‌تواند چنین جوایزی را پرداخت کند. اگر از نظر فنی بررسی کنیم هر مسابقه‌ای تأثیرات خود را دارد. شرکت‌کنندگان هر رقابت نیز دو نوع هستند؛ کسانی که به آن موضوع اعتقاد دارند و کسانی که از نظر مالی در چنین رویدادهایی حضور دارند. برخی از هنرمندان به‌خصوص خارجی‌ها معمولا در رویدادهایی که جوایز بالایی دارند، از نظر مالی در آن مسابقه شرکت می‌کنند اما به‌نظرم در مورد موضوعی مانند هولوکاست، کارتونیست باید به موضوع علاقه یا اعتقاد داشته باشد تا استقال فکری او زیر سؤال نرود».جمال رحمتی، دیگر کارتونیست ایرانی نیز در تحلیل خود از این مسابقه به «شرق» گفت: «واقعیت این است که برگزارکنندگان این جریان بیشتر از آنکه نفس خود نمایشگاه برایشان مهم باشد، از همراهی ایران با دنیا هراس دارند و به همین دلیل بُعد خبری این نمایشگاه برایشان بسیار مهم است. از طرف دیگر مسئله هولوکاست، یک موضوع تاریخی تخصصی است که بحث و نظر در مورد آن زیاد است و به‌نظرم کارتونیست‌ها باید در مورد موضوعی صحبت کنند که بدیهی باشد وگرنه در این میان کارتونیست یک ابزار می‌شود نه صاحب فکر».

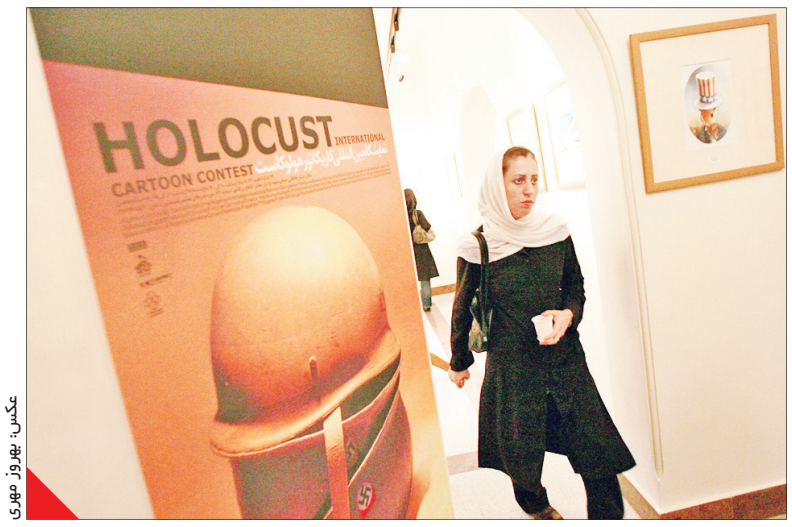

عکس: بهروز مهری

جایزه ۵۰هزاردلاری

یکی از راه‌های مطرح‌شدن یک مسابقه جایزه‌هایی است که در آن اعطا می‌شود. گذشته از هنرمندانی که می‌توانند باعث اعتبار یک جشنواره، نمایشگاه یا رقابت شوند، نوع جایزه هم در جذب هنرمندان برای شرکت در آن رویداد موضوع مهمی است. در مورد نمایشگاه‌هایی که از سوی دولت برگزار می‌شوند، در بیشتر موارد به دلیل نبود بودجه کافی برای جذب هنرمندان بین‌المللی، این مسابقه‌ها در سطح داخلی یا منطقه‌ای برگزار می‌شوند و همین مسئله توان رقابت این مسابقه‌ها را با نمونه‌های مشابه آن در سطح خارجی کم می‌کند. البته در مورد کاریکاتور کمی قضیه متفاوت است. دوسالانه کاریکاتور تهران یکی از نمایشگاه‌هایی است که نه تنها از نظر کیفی، بلکه به‌واسطه برگزاری منظم و ایجاد استانداردهای جهانی توانسته است پنج‌ستاره شود. علاوه‌بر آنکه حضور کارتونیست‌های ایرانی در جشنواره‌های خارجی معمولا با کسب رتبه‌های خوبی همراه بود و از این لحاظ کاریکاتور ایران شناخته‌شده است. بااین‌حال اگر از دوسالانه کاریکاتور که در سالیان و به مرور توانسته است جایگاه خود را پیدا کند، بگذریم نکته‌ای که جایزه کاریکاتور هولوکاست را مورد توجه قرار می‌دهد، مبلغ جایزه آن یعنی ۵۰ هزار دلار است که برای جلب کارتونیست‌های خارجی نیز بسیار موثر خواهد بود. کارنامه یکی از حامیان مالی این رویداد یعنی مؤسسه هنری رسانه‌ای اوج که باعث ارتقای جایزه ۵۰هزار دلاری این رقابت شده، نشان می‌دهد، این نهاد در سال‌های گذشته، نگاهی را دنبال می‌کرده است که تصوری را مبنی بر موضع چالشی به‌خصوص در برابر سیاست خارجی دولت یازدهم و دیپلماسی وزارت امور خارجه داشته است. یکی از نمونه‌های آن بیلبوردهای «صداقت آمریکایی» بوده. هرچند به گفته احسان محمدحسنی، مدیرعامل سازمان هنری رسانه‌ای اوج، این طرح‌ها به معنای مخالفت با مذاکرات دولتمردان ایران با آمریکا نبودند. او درباره طرح‌های «صداقت آمریکایی» که از سوی این سازمان در سطح شهر نصب شد و بعد از مدتی از سوی سازمان زیباسازی شهرداری تهران جمع‌آوری شد، در سال ۹۲ به فارس گفت: «طراحی آثار صداقت آمریکایی مربوط به اسفندماه سال گذشته می‌شود که پایان کار دولت دهم بود و همان زمان بحث‌های مذاکره با آمریکا مطرح شده بود و این طرح‌ها نیز به این مناسبت طراحی و آماده شد اما با فروکش‌کردن این مباحث، این طرح‌ها را برای استفاده به مناسبت ۱۳ آبان نگه داشتیم؛ بنابراین این آثار هیچ ارتباطی به دولت یازدهم نداشت. همه دوستان ما در سازمان هنری- رسانه‌ای اوج و هنرمندان این مجموعه از روند مذاکرات دولتمردان جمهوری اسلامی ایران حمایت می‌کنند و طرح‌های صداقت آمریکایی به معنای مخالفت با مذاکرات دولتمردان ایران با آمریکا نیست».حسنی با اشاره به جمع‌آوری زودهنگام این طرح‌ها از سطح شهر گفت: «من احساس دوستانمان در شهرداری تهران را درک می‌کنم؛ چراکه تلقی آنها این بود که تبلیغات شهری صداقت آمریکایی ممکن است منجر به سوءتفاهم دولتمردان نسبت به شهرداری تهران شود و این تصور به وجود آید که شاید شهرداری می‌خواهد اقدامات و روند مذاکرات دولت را زیر سؤال ببرد، در حالی که شهرداری تهران در طراحی این آثار نقشی نداشت و طبیعی است که این اقدام با طراحی آنها پیش نرفته است».محمدجواد ظریف نیز در صفحه فیس‌بوک خود نصب این بیلبوردها را «مهرورزی در معابر عمومی» توصیف کرد. پس از آن ساخت فیلم «من روحانی هستم» در دستور کار این مؤسسه قرار گرفت. این مؤسسه همچنین تهیه‌کنندگی فیلم بادیگارد را هم انجام داده است. یکی دیگر از اقدامات مؤسسه اوج ساخت انیمیشن «بچرخ تا بچرخیم» با موضوع هسته‌ای است که غنی‌سازی اورانیوم و دستیابی به دانش هسته‌ای را در سه دوره ریاست‌جمهوری اخیر نشان می‌دهد اما نوک تیز پیکان این انیمیشن به سوی «برجام» و توافق هسته‌ای نشانه رفته است.

به مناسبت سالگرد درگذشت محمدرضا لطفی

تنگی دست جهان است این شکست*

میلاد دیلم‌صالحی: اگر زندگی موسیقایی محمدرضا لطفی را به چهار دوره تقسیم کنیم، می‌توان در پایان دوره چهارم، شکست او را به‌عنوان «موسیقی‌دان دوره بحران» بازشناخت.

دوره پیش از انقلاب

در این دوره لطفی برای جدی‌ترشدن فعالیت‌هایش از گرگان به تهران می‌آید و به هنرستان شبانه موسیقی می‌رود و در آنجا شروع به یادگیری موسیقی ایرانی می‌کند. او در این دوره پس از آشنایی با علی‌اکبرخان شهنازی و آموختن محفوظات او، اندک‌اندک با قطعات و اندیشه کلنل وزیری آشنایی پیدا می‌کند و در همین سال‌هاست که شاکله اصلی فعالیت‌هایش شکل می‌گیرد. بعدتر لطفی وارد «دانشکده موسیقی دانشگاه تهران» می‌شود و پس از آن حضور در «مرکز حفظ و اشاعه موسیقی ایران» را تجربه می‌کند که موجب آشنایی بیشتر او با موسیقی سنتی ایرانی از طریق حافظان و راویان آن مرکز می‌شود. در بررسی آثار و فعالیت‌های موسیقایی این دوره لطفی، به چند گونه فعالیت برمی‌خوریم:

۱. تلاش برای گروه‌نوازی با سازهای ایرانی
۲. تلاش در جهت برهم‌زدن برخی معادلات پیشین موسیقی ایرانی و بنانهادن جریانی نو
۳. بازسازی آثار گذشتگان

دوره پس از انقلاب

در بحبوحه انقلاب اسلامی و تغییرات در راه، لطفی خود را همراه با جامعه می‌بیند و این در فضا و اندیشه موسیقایی او و دوستانش موجب تغییراتی می‌شود. لطفی، علیزاده و مشکاتیان به‌عنوان سه نماد موج نوی موسیقی ایرانی آمده بودند تا موسیقی را از حال‌وهوای تغزلی بیرون بیاورند و ساخت قطعاتی همچون «سواران دشت امید» و «حصار» از سوی حسین علیزاده در گام نخست و فعالیت‌های زیرزمینی برای تولید «موسیقی انقلابی» از جمله گام‌های بعدی بود. پس از عارف قزوینی، حال لطفی و دوستانش بودند که برای بار دیگر موسیقی ایرانی را در تحولات اجتماعی مردم دخیل کرده بودند. این تغییرات، بستری مناسب می‌طلبید که «کانون چاووش» در پی همین نیاز به وجود آمد. اگر به آثار چاووش در این دوره بنگریم، بیشتر آنها از ساخته و پرداخته‌های لطفی و علیزاده است و نقش مدیریتی لطفی در سامان‌دادن این سازمان مهم موسیقایی ایرانی مستقل - که پیش از این وجود نداشت - قابل‌تأمل است. البته لطفی در جایی به علاقه خود به کار مدیریتی و کار دسته‌جمعی اشاره می‌کند و می‌گوید از دوران نوجوانی در گرگان میل به کار گروهی داشته است.

فعالیت‌های موسیقایی این دوره لطفی به سه گونه کار تقسیم می‌شود:

۱. ساخت و اجرای آثار انقلابی در جهت همراهی با انقلاب مردم
۲. بازسازی آثار گذشتگان در ادامه روند فعالیت‌های پیش از انقلاب
۳. اجرای تک‌نوازی با تار و سه‌تار و جلوه‌ای دیگر از موسیقی تک‌نوازی ایرانی

دوره مهاجرت

این دوره همراه می‌شود با بی توجهی شدید به موسیقی که نهایتا کانون چاووش را از رمق می‌اندازد و اندک‌اندک شرایط سخت می‌شود و شرایط مالی کانون با بیش از ۳۰ عضو رسمی به وضعیتی اسفناک می‌رسد و جدایی بزرگ پیش می‌آید. همه به سویی می‌روند و مشخصا علیزاده و لطفی مهاجرانی ناخواسته بودند. آرام‌آرام لطفی با مهاجرت کنار می‌آید و پس از چند سال از اروپا به آمریکا نقل مکان می‌کند. در دهه ۷۰ به ایران باز می‌گردد و در مدتی کوتاه به بازگشایی و بازسازی کانون چاووش تحت عنوان «هنرستان ساز نوروز» و بعدتر «مکتب‌خانه میرزاعبدالله» برمی‌آید اما این تلاش‌های جسته‌وگریخته به سرانجام نمی‌رسد و یاران گذشته دیگر با لطفی هم‌نوا نمی‌شوند. محور کارهای لطفی در این دوره بیشتر روی موسیقی تک‌نوازی و کارهای بازسازی بوده است.

دوره بازگشت

عاقبت در اوایل دهه ۸۰، لطفی پس از کش‌وقوس‌های بسیار در زندگی شخصی و موسیقایی‌اش به ایران باز می‌گردد و مکتب‌خانه میرزاعبدالله را پایگاه موسیقایی خود قرار می‌دهد. این بازگشت آنچنان شوق و هیجانی در نسل جوان به راه انداخت که در تاریخ موسیقی ایرانی بی‌نظیر است. لطفی در قالب دیدارهای گروهی با نسل جدید موسیقی ایرانی آشنا می‌شد و برنامه‌های خود را شرح می‌داد. انگیزه‌ای عجیب در او بود و همین انگیزه به بازدیدکنندگان منتقل می‌شد. امیدها زنده شده بود و همه در سر می‌پروراندند که لطفی در موسیقی، انقلابی دیگر خواهد کرد؛ همان‌گونه‌که خود گفته بود: من موسیقی‌دان دوران بحرانم. برنامه‌های لطفی چنین بود:

۱. احیای گروه شیدا
۲. تشکیل گروه‌های دیگر در کنار گروه شیدا از قبیل: بانوان شیدا و گروه بازسازی
۳. برقراری کلاس‌های آموزشی در سطوح مختلف
۴. ارائه و اجرای موسیقی در قالب کنسرت و آثار صوتی و تصویری
۵. برگزاری دوره‌های تخصصی موسیقی ایرانی از قبیل: آشنایی با ادوار ریتمیک موسیقی ایرانی و ردیف موسیقی دستگاهی و پژوهش در موسیقی
۶. گسترش‌دادن مرکز شیدا (که سال‌ها با تلاش لطفی در آمریکا و اروپا حیاتی نیمه‌جان داشت.)

پایان

محمدرضا لطفی گرچه موسیقی‌دان دوره بحران بود اما سال‌ها از ایران دور بود و نمی‌دانست کار گروهی با محوریت صداقت و هدف فرهنگی - مانند چاووش- دیگر معنا ندارد و اصولا جامعه موسیقی ایرانی دیگر چنین مفهومی را ارزش نمی‌داند. در این دوره او به حداقل اهداف خود رسید: از یک سو آشنایی‌نداشتن با جامعه موسیقی جدید ایرانی و از سوی دیگر مشکلات مالی و اداری بسیاری که برای یک کنسرت یا یک گردهمایی موسیقایی وجود داشت، نهایتا شکست موسیقی‌دان دوران بحران را رقم زد.

* (مصرعی از هوشنگ ابتهاج)

زیر آسمان فیروزه ای

موج نو به نمایش درمی‌آید

● **شرق:** «موج نو» مستندی به کارگردانی احمد طالبی‌نژاد که پیش از این در سی‌وچهارمین جشنواره جهانی فیلم فجر به نمایش درآمد، امروز یکشنبه ۱۲ اردیبهشت به نمایش درمی‌آید. این مستند که به بررسی دوره‌ای تاریخی در سینمای ایران می‌پردازد، با حضور بهمن فرمان‌آرا، اصغر فرهادی، کیانوش عیاری، داریوش مهرجویی، پرویز شهبازی و شهرام مکری ساخته شده است. طالبی‌نژاد پیش از این درباره «موج نو» گفته بود: «فرم دیدارها در این فیلم دوستانه است و مضمون اصلی فیلم، چگونگی شکل‌گیری جریان موج نو سینمای ایران، چگونگی پیدایش و زمینه‌های شکل‌گیری آن است و بررسی اینکه چگونه این جریان تا امروز ادامه پیدا کرده. ژانر فیلم مستند داستانی است». طالبی‌نژاد که پیش از این چند فیلم مستند، داستانی کوتاه و یک فیلم بلند داستانی ساخته، درباره ایده شکل‌گیری فیلم «موج‌نو» گفته است: «سال ۷۰ کتابی منتشر کردم به نام «یک اتفاق ساده؛ بررسی جریان موج نو در سینمای ایران» که به بررسی زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و... شکل‌گیری این جریان سینمایی پرداخته بود. درواقع همیشه این ماجرا دغدغه‌ام بوده و با این پرسش درگیر بوده‌ام که چه می‌شود که یک‌باره سینمای ایران از فیلمفارسی عبور می‌کند و وارد مرحله‌ای تازه می‌شود. بعد هم فکر کردم خیلی از جوانان امروز، در جریان نیستند که پشت‌سرشان در این سینما چه گذشته و شاید حتی نشنیده باشند که اتفاقی تاریخی در سینمای ایران داریم به اسم جریان «موج نو». به همین سبب تصمیم گرفتم برای معرفی این جریان، فیلمی بسازم با حضور پیشروان و پیروان این جریان سینمایی». «موج نو» به کارگردانی احمد طالبی‌نژاد، آبان ۹۴ کلید خورد و امروز یکشنبه ۱۲ اردیبهشت ساعت پنج بعدازظهر در سالن سینما-حقیقت، واقع در میدان پالیزی، برای عموم به نمایش درمی‌آید.

نمایشگاه هنرجویان پرویز تناولی

● **شرق:** نمایشگاه آثار هنرمندان «ماه مهر»، که هنرجویان پرویز تناولی هستند، با حضور این مجسمه‌ساز و علی مرادخانی، معاون هنری وزیر ارشاد، دهم اردیبهشت در فرهنگ‌سرای نیاوران گشایش یافت. در این نمایشگاه آثاری از مسیح احمدی، لیلی طاهری، مریم ابتکار، یکتا درویش، شهرزاد ارفعی و... با نظارت پرویز تناولی و ملهم از آثار پیشگامان هنر معاصر در معرض دید علاقه‌مندان قرار گرفته؛ آثاری که به گفته استادان و کارشناسان اهل فن، نویددهنده آینده‌ای خوب برای هنر مجسمه‌سازی ایران است و اگر خالقان چنین آثاری مورد حمایت و تشویق قرار گیرند، آثار فاخری در این حوزه خلق می‌شود. پرویز تناولی در این مراسم، با بیان اینکه آثار این نمایشگاه این قابلیت را دارد که در شهرهای بزرگ جهان مانند نیویورک، لندن، زوریخ و... نیز نمایش داده شود، گفت: نمایشگاه بسیار خوبی را امروز دیدم. از لحاظ کانسپت، فکر و اجرا، این نمایشگاه را در سطح جهانی می‌بینم، چون هنرمندان نهایت کوشش و تلاش خود را در خلق آثارشان به کار بسته‌اند.او افزود: چند سال است که با آنها کار می‌کنم و ثمره آن واقعا امیدبخش است. در بازدید از نمایشگاه، واقعا غرق در شادی و شعف شدم؛ چراکه احساس کردم از نمایشگاهی در حدواندازه‌های بین‌الملل دیدن می‌کنم. من آینده مجسمه‌سازی را با اینکه عمر کوتاهی دارد، بسیار روشن و درخشان می‌بینم.تناولی با اشاره به مجسمه‌های «هیچ» ساخته لیلی طاهری، گفت: در خلق مجسمه‌های «هیچ» و دیگر آثار، با من مشورت شد. هر هنرمند تازه‌کاری از آثار هنرمندان بزرگ در ابتدای امر الهام می‌گیرد و کارهایش را خلق می‌کند. هر کسی باید هنرمندی را منشأ و مراد خود قرار دهد و راه او را ادامه دهد، به شرط اینکه اثری که خلق می‌شود، صرفا جنبه تقلید نداشته باشد. علاقه‌مندان می‌توانند برای دیدن این نمایشگاه هر روز از ساعت ۱۰ تا ۲۱ و روزهای تعطیل از ساعت ۱۴ تا ۲۱ به فرهنگ‌سرای نیاوران مراجعه کنند.

مرور ادبیات داستانی معاصر ترکیه

● **شرق:** خانه کتاب نشر دف، امروز یکشنبه دوازدهم اردیبهشت؛ «ادبیات داستانی معاصر ترکیه» را با حضور ارسلان فصیحی بررسی می‌کند. ارسلان فصیحی دانش‌آموخته رشته زبان و ادبیات ترکی از دانشگاه ازمیر است که تاکنون ترجمه‌های متعدد و متنوعی از نویسندگان ترکیه همچون اورهان پاموک، عزیز نسین، الیف شافاک و احمد تانپنیار را به مخاطبان فارسی‌زبان عرضه کرده. این نشست از ساعت ۱۷ تا ۱۹ در خانه کتاب نشر دف، واقع در سیدخندان، حدفاصل شریعتی تا سهروردی، پلاک ۶۴ ، برای عموم علاقه‌مندان برگزار می‌شود.